نگاه

عقلانیت انقلابی و رفتار مسئولانه

عباس محمدیان
پژوهشگر حکمرانی فرهنگی

سیاست پیش از آنکه عرصه هیجان و شعار باشد، میدان تشخیص و اولویت‌گذاری است؛ حوزه‌ای که در آن، توان تمایز میان امر حیاتی و امر فرعی، و قدرت گزینش میان گزینه‌های متکثر، معیار اصلی بلوغ حکمرانی محسوب می‌شود. در چنین افقی، سیاست‌ورزی نه واکنش‌های لحظه‌ای، بلکه نوعی کنش آگاهانه مبتنی بر فهم ساختارهای قدرت، ظرفیت‌های ملی و محدودیت‌های واقعی است. آنان که سیاست را در سطح احساسات زودگذر فرومی‌کاهند، معمولا در نخستین مواجهه با پیچیدگی‌های بحران، از تحلیل واقعیت و تصمیم‌سازی دقیق بازمی‌مانند. در مقابل، کنشگران برخوردار از عقلانیت راهبردی، حتی در میانه فشارهای روانی و رسانه‌ای، توان حفظ انسجام ذهنی و جهت‌گیری عملی خود را از دست نمی‌دهند. در جهان معاصر که با شتاب تحولات ژئوپلیتیکی، رقابت‌های فناورانه و جنگ‌های ادراکی همراه است، موفقیت دولت‌ها و ملت‌ها بیش از هر چیز به کیفیت «ادراک واقعیت» و «مدیریت ظرفیت‌ها» وابسته است. کشورهایی که قادرند منابع محدود خود را به‌صورت بهینه در خدمت اهداف کلان قرار دهند، نه‌تنها از تهدیدها مصون‌تر می‌مانند، بلکه می‌توانند تهدید را به فرصت و محدودیت را به مزیت نسبی تبدیل کنند. این همان نقطه‌ای است که در آن، شور اجتماعی باید در چارچوب شعور راهبردی سامان یابد و هیجان عمومی در مدار تدبیر نهادمند شود. تجربه تاریخی نیز نشان می‌دهد عبور از بحران‌های پیچیده، نه از مسیر واکنش‌های احساسی، بلکه از طریق صبوری راهبردی، انسجام ملی و تنظیم دقیق رفتار سیاسی ممکن می‌شود. ایران در مقطع کنونی با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان در سطوح منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی مواجه است؛ چالش‌هایی که ماهیت آنها صرفا امنیتی یا اقتصادی نیست، بلکه به‌طور هم‌زمان در حوزه‌های شناختی و رسانه‌ای نیز بازتولید می‌شوند. در چنین شرایطی، عقلانیت انقلابی به عنوان یک چارچوب تصمیم‌سازی، واجد اهمیت مضاعف است؛ عقلانیتی که از یک سو ریشه در مکتب فکری انقلاب اسلامی دارد و از سوی دیگر بر ضرورت حفظ منافع ملی، انسجام اجتماعی و بقا و تقویت ساختار حکمرانی تأکید می‌ورزد. در این منظومه فکری، اصل «حفظ نظام» نه یک گزاره شعاری، بلکه یک قاعده بنیادین در هندسه فقه سیاسی و حکمرانی اسلامی است که به‌مثابه شرط امکان تحقق سایر اهداف ارزشی و توسعه‌ای عمل می‌کند. از این منظر، درک صحیح از اولویت‌ها مستلزم توجه هم‌زمان به ثبات ساختاری و پویایی تصمیم‌گیری است. هیچ نظام سیاسی در جهان از ظرفیت نامحدود برخوردار نیست و هنر حکمرانی در مدیریت همین محدودیت‌ها و تبدیل آنها به بیشینه دستاوردهای ممکن تعریف می‌شود. خطای رایج در بسیاری از کنش‌های سیاسی و رسانه‌ای، غفلت از این واقعیت بدیهی و حرکت به سمت تصویرسازی‌های غیرواقع‌بینانه از توان ملی یا سطح انتظارات اجتماعی است؛ امری که در نهایت می‌تواند فاصله میان «واقعیت میدان» و «ادراک افکار عمومی» را به شکاف‌های پرهزینه تبدیل کند. در این میان، میدان رسانه و ارتباطات سیاسی به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های رقابت قدرت تبدیل شده است. جنگ روایت‌ها دیگر صرفا ابزار مکمل سیاست خارجی یا داخلی نیست، بلکه خود به سطحی مستقل از کنش راهبردی ارتقا یافته است. در چنین فضایی، مدیریت ادراک عمومی به اندازه مدیریت میدانی اهمیت دارد. یکی از تکنیک‌های رایج در جنگ شناختی، بزرگ‌نمایی ناکامی‌های مقطعی و کوچک‌نمایی دستاوردهای راهبردی است؛ فرایندی که هدف آن نه تغییر واقعیت، بلکه بازتعریف ادراک از واقعیت است. در این چارچوب، دشمن تلاش می‌کند ناکامی‌های محدود را به شکست‌های کلان تبدیل و موفقیت‌های ساختاری را در سطح افکار عمومی بی‌اثر کند. در برابر چنین الگوهایی، مسئولیت نخبگان سیاسی، رسانه‌ای و فکری صرفا انتقال اطلاعات نیست، بلکه تولید فهم دقیق و متوازن از واقعیت است. هر موضع‌گیری، تحلیل یا روایت، در این ساختار پیچیده ارتباطی، می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی یا تضعیف آن منجر شود، ازاین‌رو مسئولیت‌پذیری در گفتار عمومی به یک الزام راهبردی تبدیل می‌شود، نه صرفا یک توصیه اخلاقی. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد، حرکت از «واکنش‌گرایی رسانه‌ای» به «کنشگری راهبردی» است؛ کنشگری‌ای که بر پایه تحلیل دقیق، فهم چندلایه از میدان و توجه به پیامدهای ثانویه هر سخن و رفتار شکل می‌گیرد. به‌طور کلی عقلانیت انقلابی نه به معنای انفعال در برابر واقعیت‌ها و نه به معنای ساده‌سازی پیچیدگی‌هاست، بلکه رویکردی است که تلاش می‌کند میان آرمان‌گرایی هویتی و واقع‌گرایی راهبردی توازن برقرار کند. آینده هر نظام سیاسی، بیش از آنکه محصول هیاهوهای مقطعی باشد، نتیجه کیفیت تصمیم‌گیری‌های مستمر و انباشت عقلانیت در سطوح مختلف حکمرانی است. ایران نیز در طول تاریخ معاصر خود نشان داده است در مواجهه با بحران‌های پیچیده، زمانی موفق‌تر عمل کرده که انسجام ملی، فهم دقیق از شرایط و مدیریت هوشمندانه منابع در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. استمرار این مسیر، نیازمند آن است که کنش سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی بیش از پیش در مدار تدبیر، مسئولیت‌پذیری و درک تاریخی از موقعیت کشور تنظیم شود.

دکترین «قفل امانی»؛ بازطراحی معماری ثبات در غرب آسیا

بازدارندگی متقارن، کریدور تنفسی و موازنه هزینه در چالش تهران-واشینگتن

رحمت‌الله دریجانی

پیش‌گفتار: فرسایش فشار حداکثری و گذار به موازنه پویا

منازعه دیرپای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مدت‌هاست از چارچوب یک اختلاف دوجانبه سنتی خارج شده و به پیشران اصلی در تعیین مختصات امنیت انرژی، خطوط ترانزیتی و صورت‌بندی نظم آینده غرب آسیا مبدل شده است. مرور تحولات دو دهه گذشته، به‌ویژه فرجام راهبرد «فشار حداکثری» واشینگتن، یک واقعیت عینی را پیش چشم تحلیلگران قرار می‌دهد: تحریم‌های بی‌سابقه فاقد کارایی لازم برای واداشتن تهران به عقب‌نشینی راهبردی بوده و در نقطه‌ای متقابل، استمرار تنش‌های بی‌قاعده نیز نتوانسته است امنیت پایدار یا پیش‌بینی‌پذیری رفتار کنشگران را برای هیچ‌یک از طرفین به ارمغان بیاورد. همان‌طور که پیش‌تر در یادداشت تحلیلی خود در روزنامه شرق با عنوان «بازدارندگی هوشمند و دیپلماسی قدرت» تبیین کردم، در فضای گذار ژئوپلیتیک کنونی، تعریف کلاسیک از قدرت سخت دستخوش تحولی بنیادین شده است. در نظم نوظهور جهانی، اقتدار ملی صرفا در ظرفیت «آغاز منازعه» یا «تولید ابزار سخت» معنا نمی‌شود، بلکه در توانایی بازیگر برای «مدیریت هوشمند بحران»، «طراحی قواعد نوین بازی» و «تبدیل قدرت نظامی به اهرم‌های پایدار دیپلماتیک-اقتصادی» تجلی می‌یابد. در این اتمسفر پیچیده، دکترین «بازدارندگی هوشمند مبتنی بر قفل امانی و کریدور تنفسی» فراتر از یک فرمول موقت، راهبردی واقع‌گرایانه برای خروج از دوگانه فرسایشی «تقابل مطلق یا تسلیم» و حرکت به سمت یک موازنه پایدار است.

۱. کالبدشکافی مکانیسم «قفل امانی»: بازدارندگی نهفته و بازگشت‌پذیر

مفهوم «قفل امانی» برخلاف الگوهای سنتی کنترل تسلیحات یا خلع سلاح که بر تفکیک، تخریب یا انتقال دائمی دستاوردها اصرار می‌ورزند، بر «مدیریت موقت، شفاف و بازگشت‌پذیر» لایه‌های حساس قدرت راهبردی استوار است. این مدل، نوعی معماری بازدارندگی نهفته است که در آن ظرفیت‌های فنی کشور به عنوان ودیعه‌ای حاکمیتی حفظ می‌شوند. مختصات عملیاتی این لایه عبارت‌اند از:

- **صیانت از هسته سخت دانش:** در مدل قفل امانی، دانش بومی، خطوط تحقیق و توسعه و شاکله اصلی زیرساخت‌های مهندسی در داخل مرزها مصون و دست‌نخورده باقی می‌مانند. این امر متضمن حفظ «توانایی بازگشت سریع» در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. درواقع، کلید این قفل در دست تهران باقی می‌ماند تا رقیب بداند هرگونه عهدشکنی با واکنشی سریع و جهشی در بخش فنی مواجه خواهد شد.

- **پویایی فنی به‌جای ایستایی حقوقی:** در این الگو، پذیرش هرگونه محدودیت داوطلبانه، لزوما گام‌به‌گام، زمان‌دار و مشروط به ماژول‌های رفتاری طرف مقابل است. هیچ تعهدی ابدی نیست، بلکه محدودیت به عنوان یک کالای استراتژیک در بازار دیپلماسی در ازای مابازای عینی داده‌ستد می‌شود. هدف این است که ظرفیت بالقوه قدرت به ابزاری برای رفع تهدیدهای بالفعل اقتصادی تبدیل شود، بدون آنکه به بنیان‌های بازدارندگی بلندمدت کشور آسیبی وارد آید.

۲. از «توازن اعتماد» تا «توازن هزینه»؛ مدل ماشه معکوس

پاشنه‌آشیل اصلی تمام توافقات بین‌المللی یک دهه گذشته، نبود تقارن ذاتی در ساختار راستی‌آزمایی و نظام تنبیه و پاداش بود. در تجربیات پیشین، تعهدات فیزیکی ایران به صورت عینی، نقد و فوری سنجیده و عملیاتی می‌شد، درحالی‌که تعهدات طرف مقابل (به‌ویژه در حوزه رفع تحریم‌های ثانویه بانکی و تجاری) در دالان‌های اداری، سیاسی و قوانین تفسیری واشینگتن به حالت معلق درمی‌آمد. برای رفع این عیب ساختاری، دکترین بازدارندگی هوشمند پیشنهاد می‌کند «توازن هزینه» به طور کامل جایگزین «توازن اعتماد انتزاعی» شود:

- **تناظر سیستمی گام‌ها:** فرایند اجرای تعهدات باید به صورت الگوریتمی تعریف شود. به این معنا که اگر ایران درجه‌ای از محدودیت موقت را در یک سایت راهبردی اعمال می‌کند، به صورت هم‌زمان و موازی، باید حجم مشخصی از درآمدهای بلوکه‌شده آزاد، یا خطوط اعتباری تضمین‌شده بانکی فعال شود.

- **فعال‌سازی مکانیسم ماشه معکوس:** در این ساختار، ابزار ماشه دیگر یک امتیاز انحصاری برای غرب نیست. ایران تعلیق خودکار قفل امانی را به عنوان یک حق حقوقی و فنی مبنا قرار می‌دهد. هرگونه اختلال، کندی یا اعمال تحریم‌های نوین تحت برچسب‌های موازی، به منزله فرجام خودکار تعهدات فنی ایران قلمداد شده و سیستم بدون نیاز به فرایندهای فرسایشی سیاسی، به حالت پیش از توافق بازمی‌گردد.

۳. کریدور تنفسی اقتصادی: پیوندزدن ژئوپلیتیک به تاب‌آوری ملی

تجربه زیسته اقتصاد سیاسی ایران نشان داده است لغو اسمی یا کاغذی تحریم‌ها، بدون تعبیه‌کردن شاهراه‌های عملیاتی معاف از آسیب، نمی‌تواند به پایداری اقتصادی منجر شود. براساس این، «کریدور تنفسی» نباید صرفا به عنوان یک امتیاز موقت برای فروش نفت نگریسته شود، بلکه باید به‌مثابه یک «شبکه چندلایه مصون از هژمونی غرب» بازطراحی شود:

- **لایه ضمانت انرژی:** تعهد متقابل و بین‌المللی برای صادرات حجم مشخص و تضمین‌شده‌ای از نفت خام، میعانات گازی و فراورده‌های پتروشیمی به بازارهای هدف بدون هراس از تهدیدهای تعقیبی خزانه‌داری آمریکا.

- **لایه ترانزیت و پیوند وابستگی متقابل:** سرعت‌بخشیدن به پروژه تبدیل ایران به هاب مواصلاتی منطقه از طریق تکمیل کریدورهای بین‌المللی (مانند کریدور شمال-جنوب و راه‌های مواصلاتی شرق به غرب). هنگامی که منافع زنجیره تأمین کالاهای اساسی و تجاری بازیگران بزرگی به ثبات جغرافیایی ایران گره بخورد، تحریم ایران به معنای تحریم و آسیب به منافع کلیدی این قدرت‌ها خواهد بود و خودبه‌خود یک سپر دفاعی غیرنظامی ایجاد می‌کند.

- **لایه پولی مستقل:** فعال‌سازی ابزارهای مدرن مالی، پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بانکی بلوک‌های نوظهور برای کاهش وابستگی به سیستم‌های تحت نظارت غرب و دلارزدایی تدریجی از مبادلات ساختاری کشور.

۴. ابعاد پنج‌گانه بازدارندگی هوشمند در فضای نوین

در پارادایم امروزی، امنیت ملی امری تفکیک‌ناپذیر است. هژمونی‌های رقیب آموخته‌اند جنگ را از جغرافیای فیزیکی به لایه‌های مالی، سایبری و اذهان عمومی منتقل کنند. کشوری که در درون مرزهای خود با ناکارآمدی ساختاری، فساد مخل و شکاف اعتماد عمومی دست به گریبان باشد، حتی با برخورداری از زرادخانه‌های پیشرفته نیز در میان‌مدت دچار فرسایش راهبردی خواهد شد. ازاین‌رو بازدارندگی هوشمند بر پنج ستون متوازن استوار است:

اول، اقتدار نظامی نامتقارن برای صیانت فیزیکی و پشیمان‌سازی متجاوز؛ دوم، تاب‌آوری ساختاری اقتصاد برای بی‌اثر کردن شوک‌های خارجی بر معیشت؛ سوم، پدافند نوین سایبری و اشراف اطلاعاتی برای محافظت از زیرساخت‌های حیاتی؛ چهارم، مدیریت روایت‌ها در جنگ شناختی، چراکه اگر دستگاه دیپلماسی و رسانه‌ای کشور نتواند منطق واقع‌گرایانه «قفل امانی» را به‌درستی تبیین کند، ماشین رسانه‌ای رقیب آن را به عنوان عقب‌نشینی بازنمایی خواهد کرد؛ پنجم، تحکیم سرمایه اجتماعی و بازسازی پیوند دولت-ملت، زیرا نارضایتی داخلی سست‌ترین حلقه در زنجیره بازدارندگی است.

۵. تغییر پارادایم در خلیج فارس: تنگه هرمز از ابزار تهدید به اهرم ثبات

دکترین بازدارندگی هوشمند، پتانسیل ژئوپلیتیک تنگه هرمز را از یک سلاح کلاسیک صرف به یک «اهرم بازدارندگی مسئولانه و ثبات‌ساز» ارتقا می‌دهد. پیام تهران به نظام بین‌الملل در این مدل صریح و مبتنی بر منطق واقع‌گرایی است: امنیت عبورومرور جریان انرژی جهانی در این شاهراه حیاتی، با امنیت و پایداری کریدور تنفسی اقتصاد ایران پیوندی تفکیک‌ناپذیر دارد. ایران به عنوان قدرتمندترین بازیگر بومی، ضامن امنیت و ثبات خلیج فارس است، مشروط بر آنکه حقوق راهبردی، تجاری و توسعه‌ای آن به رسمیت شناخته شود. این رویکرد، بازدارندگی را از حالت تهاجم نقطه‌ای به حالت «تنبیه مشروط، عقلانی و قابل کنترل» بدل می‌کند.

۶. مدیریت بازیگران مخل و توسعه تعادلی منطقه

یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش‌رو، تلاش کنشگرانی است که هویت امنیتی و بقای راهبردی خود را در تداوم وضعیت بحرانی و تقابل دائم ایران و غرب تعریف کرده‌اند (نظیر رژیم صهیونیستی). ابزارهای تخریبی آنان شامل عملیات ایذایی، ترور، خرابکاری‌های صنعتی-سایبری و ایجاد شبکه‌های ایران‌هراسی است. پاسخ هوشمندانه به این تهدیدات، «خویشتن‌داری فعال و پاسخ متناظر غیرتبلیغاتی» است. ایران باید از یک سو با توسعه دیپلماسی همسایگی و افزایش وابستگی‌های متقابل اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس، زمین مانور کنشگران مخل را محدود کند و از سوی دیگر، هزینه هرگونه اقدام ایذایی را برای عاملان آن به‌شدت افزایش دهد.

سخن پایانی: طراحی قواعد جدید در نظم نوظهور

راهبرد «بازدارندگی هوشمند مبتنی بر قفل امانی و کریدور تنفسی»، مانیفستی برای عبور از بن‌بست‌های سنتی سیاست خارجی است. این دکترین، نه در ریل آرمان‌گرایی انتزاعی حرکت می‌کند و نه دال بر سازش‌کاری است، بلکه رویکردی اصالت‌یافته بر پایه منافع ملی، عقلانیت ابزاری و موازنه قواست. در جهان امروز، کنشگر پیروز کشوری نیست که خود را در وضعیت تقابل ابدی فرسوده می‌سازد، بلکه بازیگری است که می‌تواند میان «اقتدار سخت در میدان» و «ابتکار عمل پویا در دیپلماسی» توازنی ساختاری برقرار کند. ایران با به‌کارگیری این مدل، می‌تواند بدون عبور از خطوط قرمز امنیتی خود، از یک بازیگر تحت تحریم به معمار دکترین ثبات و توسعه در غرب آسیا تبدیل شود.

از «حق عمومی» تا «کالای چنددرصدی»؛ بحران مافیای فضای مجازی

سمانه ناظریان
پژوهشگر و مدرس دانشگاه

در عصر گذار به اقتصاد دیجیتال، دسترسی به اینترنت بین‌الملل دیگر یک کالای لوکس یا یک خدمت رفاهی ساده نیست، بلکه یکی از ارکان بنیادین «حق زندگی شایسته» و زیرساختی حیاتی برای مشارکت اجتماعی و رشد اقتصادی، علمی و فرهنگی است. اما وقایع اخیر در حوزه فضای مجازی نشان از مسیری متفاوت دارد؛ مسیری که در آن «حق» در گذار تبدیل‌شدن به «کالا» است. مسئله کنونی فقط یک نوسان قیمتی یا یک تصمیم مدیریتی گذرا نیست. وقتی دسترسی به اینترنت بین‌الملل، که پیش‌تر یک امکان عمومی و رایگان بود، اکنون با جهشی ۴۰۰درصدی و با هدف استخراج سود، از مرز توان اقتصادی اکثریت مردم عبور می‌کند، ما با تغییر ماهیت یک خدمت عمومی روبه‌رو هستیم: «تجاری‌سازی حقوق عمومی». تحلیل این روند نشان از تکوین نوعی «کارتل یا مافیای دیجیتال» دارد؛ ساختاری که در آن منافع گروه‌های ذی‌نفع، بر حقوق اساسی شهروندان مقدم شده است. این رویکرد نه‌تنها عدالت توزیعی را زیر سؤال می‌برد، بلکه با ایجاد «شکاف دیجیتال» میان طبقات، ثبات اجتماعی و جایگاه رقابتی کشور را در علم و اقتصاد جهانی تهدید می‌کند. برای خروج از این بن‌بست و گذار از «مدیریت منافع» به «مدیریت خدمات»، اتخاذ راهکارهای زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. بازگشت به اصل «خدمات عمومی»: باید مرز مشخصی میان خدمات تجاری و حقوق‌های بنیادین شهروندی ترسیم شود. دسترسی به اینترنت بین‌الملل لازم است به عنوان یک «زیرساخت استراتژیک» نگاه شود، نه صرفا یک منبع درآمدزایی برای جریان های ذی‌نفع.

۲. شفاف‌سازی ساختار قیمت‌گذاری: برای جلوگیری از شکل‌گیری (کارتل‌ها)، فرایند تعیین نرخ‌ها باید از حالت تصمیمات پشت‌پرده و تک‌جانبه خارج شده و از طریق نهادهای نظارتی مستقل و با تکیه بر شاخص‌های شفاف اقتصادی قابل استعلام و تحلیل باشد.

۳. ایجاد مدل‌های «حمایتی و عدالت‌محور»: دولت و نهادهای ناظر باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که دسترسی اقشار آسیب‌پذیر، پژوهشگران، دانشجویان و فعالان اقتصادی را از گزینه «فردی‌سازی هزینه» خارج کرده و به سمت «توزیع عادلانه دسترسی» هدایت کند.

۴. تقویت نظارت پارلمانی و مدنی: مقابله با ذی‌نفع‌های پنهان در فضای مجازی مستلزم تقویت قدرت نظارتی مجلس و نهادهای حقوقی است تا اطمینان حاصل شود تصمیمات شورای عالی فضای مجازی، در راستای «منافع ملی» و «صیانت از حقوق شهروندان» اتخاذ می‌شود، نه در راستای بازدهی کوتاه‌مدت گروه‌های خاص.

در نهایت، اگر مدیریت فضای مجازی به‌جای «تسهیل دسترسی»، بر محور «استخراج سود» بچرخد، نه‌تنها سرمایه اجتماعی را از دست خواهیم داد، بلکه فرصت ورود به عصر جدید اقتصاد را نیز به گروه‌های محدود ذی‌نفع واگذار خواهیم کرد.

*** این یادداشت با توجه به اخبار اخیر درباره افزایش قیمت اینترنت بین‌الملل، به صورت تحلیلی و با هدف ارائه راهکار تدوین شده است.**

جدول ۵۳۲۳ طراح: بیژن کورانی

افقی:

۱- واحد شمارش پارچه- مشهور- نمره عالی ۲- فاقد تحرک- شهری در جمهوری آذربایجان- مخفف اینک ۳- به هر حال- زبان مردم افغانستان- آلبومی با آواز علیرضا افتخاری ۴- پهلوان- صفحات داخلی روزنامه- مجموعه‌داستان ایرانی نوشته گلی ترقی ۵- عارفان- تابع- آب میان‌بافتی ۶- بله عرب- پارچه- گل زیبای پاییزی ۷- شاخه‌ای از علوم تجربی- شبیه و نظیر- دست در زبان آذری ۸- از ادات پرسش- قسمتی از پا- بزرگوارتر ۹- از واحدهای سنتی وزن- شیشه ایمنی- ویرایش ۱۰- چرب‌زبان- آشنا- جای خلوت و آرام ۱۱- فیلمی ساخته دیوید فینچر با بازی برد پیت و مورگان فریمن- باقی‌مانده- نماد ۱۲- نقاش ایتالیایی عهد رنسانس- ایوان- بهت و حیرت ۱۳- مبارک- سیمرغ- ظاهرشدن ۱۴- تعجب زنانه- احسان- گوشه‌نشینی ۱۵- از نقوش زیبا در هنر نگارگری- عمده‌فروش- از نام‌های آدمی در قرآن

عمودی:

۱- پرتوافکندن- ملاقه- مطبوع ۲- ظرف شیشه‌ای کوچک برای نگهداری دارو- رمانی به قلم لوئیجی پیر آندللو، نویسنده ایتالیایی ۳- پور- صاحب‌منصب- جوهر قلیا ۴- از ماشین‌آلات کشاورزی- فرستاده خدا- آشوب ۵- پیشوندی منفی- از راست به چپ- قصور ۶- از ماهواره‌هایی که ایران به فضا فرستاد- نوعی کاغذ مخصوص که در هنر نگارگری استفاده می‌شود- درون دهان ۷- سکرتر- به پارچه می‌زنند تا براق شود- لعنت‌شده ۸- مانوس- از رایج‌ترین عایق‌های حرارتی و صوتی- پسندیده ۹- واقعی- گیرنده امواج تلویزیونی- پایبندی ۱۰- چهره- ابزار پهن‌کردن خمیر- دستگیرشدگان ۱۱- از پادشاهان اشکانی- نام‌ها- صد مترمربع ۱۲- انگشت- دوستی و محبت- مقابل بازکردن ۱۳- زیرانداز ارزان‌قیمت- نام کوچک کاسترو- کیفر ۱۴- کنایه از کارشکنی‌کردن است- قفل چوبی خانه‌های قدیم ۱۵- اصطلاحی در فوتبال- محصول سینما- سامانه موقعیت‌یاب جهانی

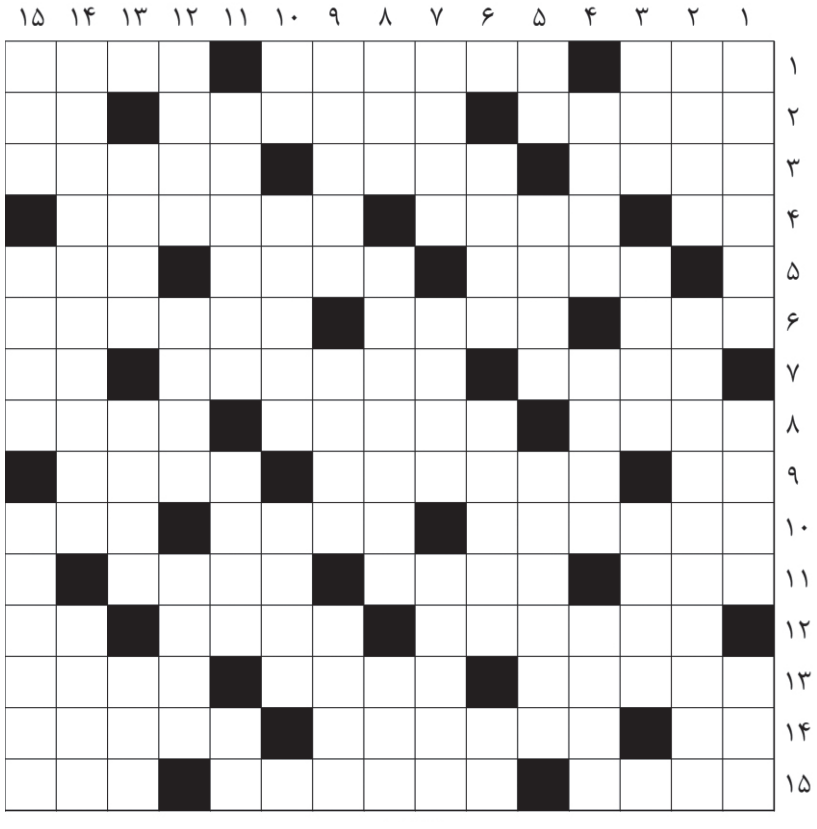

حل سودوکو ۴۳۱۸

۱	۲	۷	۸	۳	۹	۴	۶	۵
۶	۳	۸	۴	۱	۵	۹	۷	۲
۵	۹	۴	۲	۷	۶	۱	۸	۳
۹	۵	۱	۶	۲	۸	۷	۳	۴
۸	۶	۳	۷	۵	۴	۲	۹	۱
۴	۷	۲	۳	۹	۱	۶	۵	۸
۷	۴	۹	۱	۸	۳	۵	۲	۶
۳	۱	۵	۹	۶	۲	۸	۴	۷
۲	۸	۶	۵	۴	۷	۳	۱	۹

۷	۹	۶	۵	۱	۳	۲	۴	۸
۳	۲	۵	۴	۷	۸	۶	۱	۹
۴	۸	۱	۶	۹	۲	۷	۵	۳
۲	۶	۴	۸	۳	۹	۱	۷	۵
۵	۱	۹	۷	۲	۶	۸	۳	۴
۸	۳	۷	۱	۵	۴	۹	۲	۶
۱	۵	۳	۹	۸	۷	۴	۶	۲
۶	۴	۲	۳	۶	۵	۱	۸	۷
۹	۷	۸	۲	۴	۱	۵	۹	۳

حل جدول ۴۳۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	م	ا	ه	ن	ا	ر	■	گ	ن	ب	ر	ا	ن	د
۲	و	ا	ی	ا	■	ر	ا	ی	ر	ح	ه	■	ا	م	ر
۳	ا	ن	ا	ر	■	م	ب	ه	م	■	ت	س	ن	ی	م
۴	ک	ک	■	د	ل	ا	ک	■	ر	ا	ح	ت	ی	■	■
۵	ج	ن	گ	■	ش	ب	ی	ه	■	م	ر	ی	و	ا	ن
۶	و	■	ف	ل	ک	ه	■	ف	ر	د	ی	■	ن	ق	ص
۷	ک	ف	ت	ا	ر	■	م	ت	و	ا	ر	ی	■	ل	ی
۸	و	ر	ن	ی	■	ر	ا	پ	ی	د	■	ق	ب	ی	ح
۹	و	ا	■	ک	ا	م	ل	ی	ا	■	ق	ی	ا	م	ت
۱۰	ی	ر	ا	■	م	ا	ه	ک	■	م	د	ن	ی	■	ا
۱۱	چ	ی	س	ت	ا	ن	■	ر	و	ا	ق	■	د	م	ل
۱۲	■	■	م	ش	ک	ی	ن	■	ز	ر	د	ه	■	ن	م
۱۳	ت	ق	ا	ر	ن	■	م	ک	ا	ن	■	م	ن	د	ل
۱۴	ل	د	ن	ی	■	س	ا	ت	ن	■	س	ا	ر	ا	و
۱۵	ا	ی	ی	ن	ا	م	ه	■	ن	ا	ر	ن	ح	ک	ک

سودوکو سخت ۴۳۱۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

۹				۴	۸			۵
۸				۶			۷	
	۵	۱					۴	
	۷		۴				۸	
		۸		۲		۶		
	۳				۱		۲	
	۱					۴	۵	
	۲			۳				۸
۴			۹	۱				۳

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۳۱۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

			۸		۶	۱	۹	۴
۲			۴	۵				۷
	۴		۳				۸	۵
		۱			۵			۹
	۲	۹				۵	۶	
۵			۲			۷		
۶	۳				۷		۵	
۱				۴	۳			۶
۸	۹	۷	۵		۲			

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.